

# همه چیز، همه چیز

نیکولا یون

مترجم: نازیلا محبی



نشنون

۱۳۹۸

رمان خارجی

تقدیم به همسرم، دیوید یون، که قلبم را به من نشان داد.  
و به دختر زیبای باهوشم، پنی، که به آن وسعت بخشید.  
نیکولا یون

تقدیم به مهربان مادر و یگانه پسر  
عزیزترین‌هایی که همه‌چیزم هستند، همه‌چیز.  
مترجم

«و این هم راز من که بسیار ساده است:  
فقط با چشم دل می‌توان خوب دید.  
آنچه اصل است از دیده پنهان است.»  
آنتوان دو سنت آگزوپری، شازده کوچولو

## اتاق سفید

من خیلی بیشتر از تو کتاب خوانده‌ام. مهم نیست که چند کتاب خوانده‌ای. من بیشتر خوانده‌ام. باور کن. من وقتش را داشته‌ام.

در اتاق سفیدم، روی دیوارهای سفید اتاقم، بر روی قفسه‌های کتاب سفید براقم، فقط جلدهای کتاب است که به محیط رنگ می‌دهد. همه کتاب‌ها جلد سخت کاملاً نو دارند (هیچ کتابی با جلد مقوایی دست‌دوم و آلوده به میکرب ندارم). کتاب‌ها بعد از ضدعفونی شدن و پیچیده شدن در لفاف پلاستیکی‌ای که بدون دخالت دست در خلأ رویشان کشیده شده، به دستم می‌رسند. دلم می‌خواهد دستگاهی را که این کار را انجام می‌دهد ببینم. تک‌تک کتاب‌ها را درحالی‌که روی نوار سفید متحرکی راهی محفظه‌های سفید چهارگوش می‌شوند، مجسم می‌کنم. در محفظه‌ها دست‌های سفید آدم‌های ماشینی کتاب‌ها را گردگیری و لکه‌گیری می‌کنند و با اسپری دارو می‌پاشند یا یک جورهایی میکرب‌زدایی می‌کنند تا جایی که بالأخره متقاعد شوند که به‌قدر کافی تمیز شده تا به دست من برسند. هر وقت کتاب تازه‌ای از راه می‌رسد، اولین کارم باز کردن بسته‌هاست، فرایندی که با قیچی و دست‌کم یک ناخن شکسته سروکار پیدا می‌کند. کار بعدی‌ام نوشتن اسمم داخل جلد کتاب است.

### متعلق به: مادلین ویتی<sup>۱</sup>

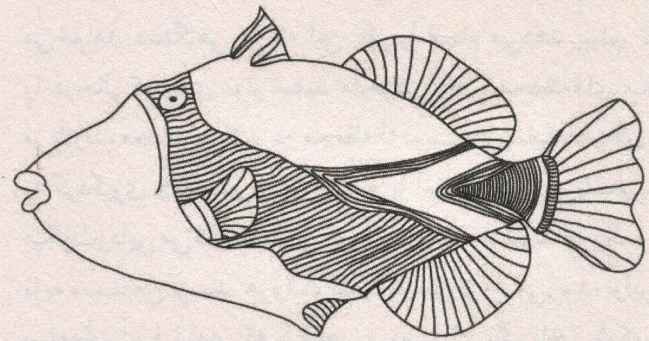
نمی‌دانم چرا این کار را می‌کنم. به‌جز مادرم که هرگز کتاب نمی‌خواند و به‌جز پرستارم، کارلا، کسی اینجا نیست (که او هم چون تمام وقتش را صرف مراقبت

از جان من می‌کند، وقتی برای خواندان ندارد). به‌ندرت کسی به دیدنم می‌آید و بنابراین کسی نیست که کتاب‌هایم را به او امانت بدهم. کسی نیست تا لازم باشد به او یادآوری کنم کتاب فراموش شده روی قفسه کتابش مال من است. مزدگانی به یابنده (همه موارد درخواستی را علامت بنزید):  
این بخش از کار بیشتر از هر چیز دیگری وقتم را می‌گیرد و درمورد هر کتاب تغییرش می‌دهم. گاهی مزدگانی‌ها تخیلی است:

پیک‌نیک با من (مادلین) در یک دشت پر از شقایق، زنبق و یک‌عالمه گل همیشه‌بهار ساکنان کره ماه<sup>۱</sup> در زیر آسمان آبی صاف تابستان.

نوشیدن چای با من (مادلین) در یک فانوس دریایی میان اقیانوس اطلس و در دل طوفان.

غواصی با من (مادلین) از مالاکینی<sup>۲</sup> تا منطقه ماهیان رنگارنگ هاوایی<sup>۳</sup> (هیوم‌بیو‌هیوم‌یانیک‌یوک‌یوپ‌وایا<sup>۴</sup>).



۱. man-in-the-moon marigolds گونه‌ای از گل‌های همیشه‌بهار و اشاره به یک نمایشنامه آمریکایی اثر پل زیندل و فیلمی با همین نام.
۲. Molokini دهانه آتشفشانی هلالی شکل در جزیره ماوی در بین جزایر هاوایی که غواصی در آن از بزرگترین تفریحات توریست‌هاست.
۳. The hawaiian state fish: trigger fish ماهیان رنگارنگی با بدنی پهن که مخصوص آب‌های هاوایی و از جاذبه‌های غواصی جزایر هاوایی هستند.
۴. Humuhumunukunua'ua: triggerfish گونه‌ای از ماهیان رنگارنگ آب‌های هاوایی.

گاهی مزدگانی‌ها چندان هم تخیلی نیستند:

سرزدن به یکی از کتاب‌فروشی‌های کتاب‌های دست‌دوم به‌همراه من (مادلین).

قدم‌زدن در کنار من (مادلین) تا انتهای ساختمان و برگشت.

گفت‌وگوی کوتاه با من (مادلین) درباره هر موضوعی که بخواهید، روی کاناپه سفید اتاق خواب سفید رنگم.

گاهی مزدگانی فقط این است:

من (مادلین).